«ساعت‌شماری» ساری‌پور؛ ۲۰ سال وقت در «مسافرخانه ساحل و صلاح‌الدین» (بیدار) در آستانه ورود به نمایشگاه بین‌المللی هتل‌داری تهران

مسافرخانه صلاح‌الدین در خیابان آبشار، ۴ مهر ۱۴۰۴ — ۱۵ مهر ۱۴۰۴

هتل ۴ ستاره «ساحل و صلاح‌الدین» در خیابان آبشار، ۲۰ سال است با همان لابی سنگ‌فرش، همان آسانسور برنجی و همان مدیر شب که از سال ۱۳۸۴ در همان صندلی نشسته است. ساری‌پور، ۶۲ ساله، از ۲۰ مهر ۱۴۰۴ مدیر فنی هتل است و از ۱۵ مهر ۱۴۰۴ مسئول هماهنگی بخش بین‌المللی نمایشگاه بین‌المللی هتل‌داری تهران (IHE) در مصلای تهران. این گزارش روایت یک هفته زندگی در هر دو جهان است.

(مسافر/بیدار در مسافرخانه)

۱۵ مهر ۱۴۰۴، ۲:۱۰ بامداد — لابی هتل ساحل و صلاح‌الدین، آبشار

ساری‌پور ساعت ۲:۱۰ بامداد از پله‌های سنگی پایین می‌آید و پیراهن سفید را در کمربند شلوار فرو می‌برد. تلفن اتاق ۲۱۴ زنگ زده است. خانم رضوی، مهمان مسن اتاق ۲۱۴، از سرفه‌های شبانه شکایت دارد و خواسته است پزشک خبر شود. ساری‌پور گوشی را برمی‌دارد، شماره اتاق را می‌نویسد و به نگهبان شب می‌گوید ظرف ۱۰ دقیقه پزشک برسد. این تماس در دفتر ثبت می‌شود و ساعت ۲:۱۲ بامداد بسته می‌شود. هزینه تماس ۴۰ هزار تومان است و در صورتحساب اتاق ثبت می‌شود.

ساری‌پور از پله‌های سنگی بالا می‌رود و از کنار آسانسور قدیمی می‌گذرد که هنوز با دست باز و بسته می‌شود. در طبقه دوم، دو کارگر نقاشی دیوار راهرو را با رنگ روشن می‌کشند تا برای نمایشگاه آماده شود. ساری‌پور به آنها سلام می‌دهد و از کنار داربست می‌گذرد. در طبقه سوم، اتاق ۳۰۵ خالی است و کلید یدکی در کشو است. او کلید را برمی‌دارد و یادداشتی روی میز می‌گذارد: «اتاق ۳۰۵ برای مهمان ویژه نمایشگاه رزرو شد، تا ۱۸ مهر». این یادداشت فردا صبح به سرپرست طبقات می‌رسد و او در برنامه روز بعد ثبت می‌کند.

ساری‌پور به دفتر فنی برمی‌گردد و چراغ میز را روشن می‌کند. دفتر فنی هتل ساحل و صلاح‌الدین شامل ۴ کارمند است و ساری‌پور از سال ۱۳۹۱ سرپرست آن است. او فهرست تعمیرات را باز می‌کند و سه مورد باز را می‌بیند: شیر آب طبقه دوم، کلید برق راهرو و یخچال اتاق ۲۱۴. او برای هر سه تیکت می‌زند و به تعمیرکار زنگ می‌زند. ساعت ۲:۴۰ بامداد تعمیرکار می‌آید و شیر آب را می‌بندد تا صبح تعویض شود. کلید برق ساعت ۳:۱۵ وصل می‌شود و یخچال ساعت ۳:۴۰ روشن می‌شود. ساری‌پور این زمان‌ها را در فرم کار می‌نویسد و امضا می‌کند.

ساعت ۴:۳۰ بامداد ساری‌پور به اتاق ۲۱۴ می‌رود و با خانم رضوی صحبت می‌کند. او می‌گوید شب گذشته خواب نداشته و نگران است فردا به نمایشگاه برود. ساری‌پور به او قول می‌دهد پزشک ساعت ۹ صبح برسد و او را به نمایشگاه برساند. او این قول را در فرم کار می‌نویسد و به پزشک پیامک می‌زند. پزشک ساعت ۹:۱۵ می‌آید و خانم رضوی ساعت ۱۰ با تاکسی به نمایشگاه می‌رود. هزینه تاکسی ۱۲۰ هزار تومان است و در صورتحساب اتاق ثبت می‌شود.

ساعت ۵:۳۰ بامداد ساری‌پور به لابی برمی‌گردد و فهرست رزرو اتاق‌های ویژه نمایشگاه را می‌گیرد. ۱۸ اتاق رزرو شده است و ۶ اتاق هنوز خالی است. او به دفتر می‌رود و فهرست را با خودکار قرمز علامت می‌زند. ساعت ۶:۴۵ صبح شیفت عوض می‌شود و ساری‌پور به خانه می‌رود. او ساعت ۷:۳۰ صبح به خانه می‌رسد و ساعت ۸ می‌خوابد. این ۱۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۱۰ صبح ساری‌پور دوباره به هتل می‌رود. او ابتدا به دفتر فنی می‌رود و فهرست کار روز را می‌بیند. سه مورد باز است و یک مورد جدید اضافه شده: لامپ راهرو طبقه سوم. ساری‌پور به انبار می‌رود و لامپ را برمی‌دارد. انبار دار، آقای نوروزی، لامپ را تحویل می‌دهد و رسید می‌گیرد. رسید در دفتر انبار ثبت می‌شود. ساری‌پور لامپ را نصب می‌کند و تست می‌کند. لامپ روشن می‌شود. او رسید را به دفتر می‌برد و شماره رسید را در فرم کار می‌نویسد.

ساعت ۱۲:۳۰ ظهر ساری‌پور به سالن غذاخوری می‌رود. غذا رایگان است و کارکنان هتل در صف می‌ایستند. ساری‌پور با آقای نوروزی، انباردار، و خانم کریمی، حسابدار، غذا می‌خورد. گفتگو درباره نمایشگاه است. خانم کریمی می‌گوید ۳ هتل رقیب هم در نمایشگاه غرفه دارند و قیمت اتاق‌ها را کاهش داده‌اند. ساری‌پور یادداشت می‌کند که قیمت اتاق‌ها باید بررسی شود. این یادداشت در فرم کار ثبت می‌شود.

ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر ساری‌پور به دفتر فنی برمی‌گردد و گزارش روزانه را می‌نویسد. گزارش شامل ۴ مورد تعمیر، ۱ مورد لامپ، ۱ مورد کلید، و ۱ مورد لامپ است. او گزارش را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست گزارش را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۳:۱۵ ساری‌پور به اتاق ۲۱۴ می‌رود و از خانم رضوی خداحافظی می‌کند. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک فردا صبح می‌آید. خانم رضوی تشکر می‌کند و ساری‌پور به لابی می‌رود.

ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر ساری‌پور به دفتر فنی برمی‌گردد و فرم کار را پر می‌کند. فرم کار شامل ساعت ورود، ساعت خروج، و شرح کار است. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد و سرپرست فرم را امضا می‌کند. ساعت ۵:۱۰ ساری‌پور هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۶:۳۰ به خانه می‌رسد. او شام می‌خورد و ساعت ۸ می‌خوابد. این ۱۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۶:۴۵ صبح شیفت عوض می‌شود و ساری‌پور به هتل می‌رود. او ساعت ۷:۳۰ صبح به خانه می‌رسد و ساعت ۸ می‌خوابد. این ۱۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است. ساری‌پور ۲۰ سال است در همان هتل کار می‌کند. او ۲۰ سال پیش از همین هتل استخدام شد. او از نظافتچی شروع کرد و حالا سرپرست طبقات است. او می‌گوید هر سال ۱۰ تا ۱۵ روز مرخصی می‌گیرد. او می‌گوید مرخصی‌اش را برای نمایشگاه ذخیره کرده است. او می‌گوید نمایشگاه برای او مهم است.

ساعت ۱۰ صبح ساری‌پور به دفتر فنی می‌رود و فرم کار را پر می‌کند. فرم کار شامل ساعت ورود، ساعت خروج، و شرح کار است. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد و سرپرست فرم را امضا می‌کند. ساعت ۱۰:۱۵ ساری‌پور به اتاق ۲۱۴ می‌رود و از خانم رضوی خداحافظی می‌کند. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک فردا صبح می‌آید. خانم رضوی تشکر می‌کند و ساری‌پور به لابی می‌رود. او ساعت ۱۰:۲۰ صبح هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۱۱ می‌خوابد. این ۱۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۱۱:۳۰ شب ساری‌پور به خانه می‌رسد. او شام می‌خورد و ساعت ۱۲ می‌خوابد. او فردا صبح ساعت ۶:۴۵ به هتل می‌رود. او ۲۰ سال است در همان هتل کار می‌کند. او ۲۰ سال پیش از همین هتل استخدام شد. او از نظافتچی شروع کرد و حالا سرپرست طبقات است. او می‌گوید هر سال ۱۰ تا ۱۵ روز مرخصی می‌گیرد. او می‌گوید مرخصی‌اش را برای نمایشگاه ذخیره کرده است. او می‌گوید نمایشگاه برای او مهم است.

(مسافر/بیدار در مسافرخانه)

۱۵ مهر ۱۴۰۴، ۶:۴۵ صبح — لابی هتل ساحل و صلاح‌الدین، آبشار

ساری‌پور ساعت ۶:۴۵ صبح به لابی می‌رسد و کلید اتاق ۲۱۴ را از کشو برمی‌دارد. او کلید را به خانم رضوی می‌دهد. خانم رضوی کلید را می‌گیرد و به اتاق می‌رود. او ساعت ۷:۱۰ صبح از اتاق خارج می‌شود و به سالن غذاخوری می‌رود. او صبحانه می‌خورد و ساعت ۷:۴۰ صبح به لابی برمی‌گردد. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک ساعت ۹ صبح می‌آید. خانم رضوی سر تکان می‌دهد و ساری‌پور به دفتر فنی می‌رود. او ساعت ۷:۵۰ صبح به دفتر فنی می‌رسد.

ساعت ۸:۳۰ صبح ساری‌پور فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را خالی می‌گذارد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۹:۱۵ صبح پزشک می‌آید. پزشک به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او خانم رضوی را معاینه می‌کند. او به خانم رضوی می‌گوید استراحت کند. او به ساری‌پور می‌گوید خانم رضوی باید به نمایشگاه برود. ساری‌پور سر تکان می‌دهد.

ساعت ۹:۴۵ صبح ساری‌پور به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک اجازه داده است. خانم رضوی لبخند می‌زند. او کیف خانم رضوی را برمی‌دارد. او کیف را در صندلی عقب تاکسی می‌گذارد. او به راننده تاکسی می‌گوید به نمایشگاه بین‌المللی هتل‌داری تهران، مصلای تهران، برود. راننده سر تکان می‌دهد. تاکسی حرکت می‌کند. ساری‌پور به هتل برمی‌گردد.

ساعت ۱۰:۳۰ صبح ساری‌پور به دفتر فنی می‌رود. او فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را ۹:۴۵ می‌نویسد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۱۰:۴۵ ساری‌پور به لابی می‌رود. او ساعت ۱۰:۵۰ صبح هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۱۱:۳۰ می‌خوابد. این ۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر ساری‌پور به خانه می‌رسد. او شام می‌خورد و ساعت ۲ می‌خوابد. او فردا صبح ساعت ۶:۴۵ به هتل می‌رود. او ۲۰ سال است در همان هتل کار می‌کند. او ۲۰ سال پیش از همین هتل استخدام شد. او از نظافتچی شروع کرد و حالا سرپرست طبقات است. او می‌گوید هر سال ۱۰ تا ۱۵ روز مرخصی می‌گیرد. او می‌گوید مرخصی‌اش را برای نمایشگاه ذخیره کرده است. او می‌گوید نمایشگاه برای او مهم است.

(مسافر/بیدار در مسافرخانه)

۱۵ مهر ۱۴۰۴، ۴:۳۰ بامداد — لابی هتل ساحل و صلاح‌الدین، آبشار

ساری‌پور ساعت ۴:۳۰ بامداد از پله‌های سنگی پایین می‌آید و پیراهن سفید را در کمربند شلوار فرو می‌برد. تلفن اتاق ۲۱۴ زنگ زده است. خانم رضوی، مهمان مسن اتاق ۲۱۴، از سرفه‌های شبانه شکایت دارد و خواسته است پزشک خبر شود. ساری‌پور سر تکان می‌دهد. او تلفن را برمی‌دارد. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک ساعت ۹ صبح می‌آید. خانم رضوی تشکر می‌کند. ساری‌پور به لابی می‌رود. او ساعت ۴:۴۰ بامداد هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۵ می‌خوابد. این ۱۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۹:۳۰ صبح ساری‌پور به دفتر فنی می‌رود. او فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را خالی می‌گذارد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۱۰ صبح پزشک می‌آید. پزشک به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او خانم رضوی را معاینه می‌کند. او به خانم رضوی می‌گوید استراحت کند. او به ساری‌پور می‌گوید خانم رضوی باید به نمایشگاه برود. ساری‌پور سر تکان می‌دهد.

ساعت ۱۰:۳۰ صبح ساری‌پور به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک اجازه داده است. خانم رضوی لبخند می‌زند. او کیف خانم رضوی را برمی‌دارد. او کیف را در صندلی عقب تاکسی می‌گذارد. او به راننده تاکسی می‌گوید به نمایشگاه بین‌المللی هتل‌داری تهران، مصلای تهران، برود. راننده سر تکان می‌دهد. تاکسی حرکت می‌کند. ساری‌پور به هتل برمی‌گردد.

ساعت ۱۱:۳۰ صبح ساری‌پور فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را ۹:۴۵ می‌نویسد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۱۱:۴۵ ساری‌پور به لابی می‌رود. او ساعت ۱۱:۵۰ صبح هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۱۲:۳۰ می‌خوابد. این ۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر ساری‌پور به خانه می‌رسد. او شام می‌خورد و ساعت ۳ می‌خوابد. او فردا صبح ساعت ۶:۴۵ به هتل می‌رود. او ۲۰ سال است در همان هتل کار می‌کند. او ۲۰ سال پیش از همین هتل استخدام شد. او از نظافتچی شروع کرد و حالا سرپرست طبقات است. او می‌گوید هر سال ۱۰ تا ۱۵ روز مرخصی می‌گیرد. او می‌گوید مرخصی‌اش را برای نمایشگاه ذخیره کرده است. او می‌گوید نمایشگاه برای او مهم است.

(مسافر/بیدار در مسافرخانه)

۱۵ مهر ۱۴۰۴، ۶:۴۵ صبح — لابی هتل ساحل و صلاح‌الدین، آبشار

ساری‌پور ساعت ۶:۴۵ صبح به لابی می‌رسد و کلید اتاق ۲۱۴ را از کشو برمی‌دارد. او کلید را به خانم رضوی می‌دهد. خانم رضوی کلید را می‌گیرد و به اتاق می‌رود. او ساعت ۷:۱۰ صبح از اتاق خارج می‌شود و به سالن غذاخوری می‌رود. او صبحانه می‌خورد و ساعت ۷:۴۰ صبح به لابی برمی‌گردد. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک ساعت ۹ صبح می‌آید. خانم رضوی سر تکان می‌دهد و ساری‌پور به دفتر فنی می‌رود. او ساعت ۷:۵۰ صبح به دفتر فنی می‌رسد.

ساعت ۸:۳۰ صبح ساری‌پور فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را خالی می‌گذارد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۹:۱۵ صبح پزشک می‌آید. پزشک به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او خانم رضوی را معاینه می‌کند. او به خانم رضوی می‌گوید استراحت کند. او به ساری‌پور می‌گوید خانم رضوی باید به نمایشگاه برود. ساری‌پور سر تکان می‌دهد.

ساعت ۹:۴۵ صبح ساری‌پور به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک اجازه داده است. خانم رضوی لبخند می‌زند. او کیف خانم رضوی را برمی‌دارد. او کیف را در صندلی عقب تاکسی می‌گذارد. او به راننده تاکسی می‌گوید به نمایشگاه بین‌المللی هتل‌داری تهران، مصلای تهران، برود. راننده سر تکان می‌دهد. تاکسی حرکت می‌کند. ساری‌پور به هتل برمی‌گردد.

ساعت ۱۰:۳۰ صبح ساری‌پور فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را ۹:۴۵ می‌نویسد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۱۰:۴۵ ساری‌پور به لابی می‌رود. او ساعت ۱۰:۵۰ صبح هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۱۱:۳۰ می‌خوابد. این ۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر ساری‌پور به خانه می‌رسد. او شام می‌خورد و ساعت ۲ می‌خوابد. او فردا صبح ساعت ۶:۴۵ به هتل می‌رود. او ۲۰ سال است در همان هتل کار می‌کند. او ۲۰ سال پیش از همین هتل استخدام شد. او از نظافتچی شروع کرد و حالا سرپرست طبقات است. او می‌گوید هر سال ۱۰ تا ۱۵ روز مرخصی می‌گیرد. او می‌گوید مرخصی‌اش را برای نمایشگاه ذخیره کرده است. او می‌گوید نمایشگاه برای او مهم است.

(مسافر/بیدار در مسافرخانه)

۱۵ مهر ۱۴۰۴، ۴:۳۰ بامداد — لابی هتل ساحل و صلاح‌الدین، آبشار

ساری‌پور ساعت ۴:۳۰ بامداد از پله‌های سنگی پایین می‌آید و پیراهن سفید را در کمربند شلوار فرو می‌برد. تلفن اتاق ۲۱۴ زنگ زده است. خانم رضوی، مهمان مسن اتاق ۲۱۴، از سرفه‌های شبانه شکایت دارد و خواسته است پزشک خبر شود. ساری‌پور سر تکان می‌دهد. او تلفن را برمی‌دارد. او به خانم رضوی می‌گوید پزشک ساعت ۹ صبح می‌آید. خانم رضوی تشکر می‌کند. ساری‌پور به لابی می‌رود. او ساعت ۴:۴۰ بامداد هتل را ترک می‌کند. او به خانه می‌رود و ساعت ۵ می‌خوابد. این ۱۴ ساعت در فرم کار ثبت می‌شود و امضای سرپرست طبقات پای آن است.

ساعت ۹:۳۰ صبح ساری‌پور به دفتر فنی می‌رود. او فرم کار را پر می‌کند. او ساعت ورود را ۶:۴۵ می‌نویسد و ساعت خروج را خالی می‌گذارد. او فرم را به سرپرست طبقات می‌دهد. سرپرست فرم را می‌خواند و امضا می‌کند. ساعت ۱۰ صبح پزشک می‌آید. پزشک به اتاق ۲۱۴ می‌رود. او خانم رضوی را معاینه می‌کند. او به خانم رضوی می‌گوید استراحت کند. او به ساری‌پور می‌گوید خانم رضوی باید به نمایشگاه برود. ساری‌پور سر تکان می‌دهد.

ساعت ۹:۴۵